اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابی بزرگ صدر اسلام ـ رمضان رضایی علمی- ترویجی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۶۹-۱۸۲

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابی بزرگ صدر اسلام

رمضان رضایی*

چکیده: اسماء بنت عمیس؛ مفسر، محدث، راوی و صحابه بزرگ صدر اسلام از شخصیتهای کم ادعا و بزرگ صدر اسلام است. ایشان به عنوان بانویی که هم در مکه در شمار مسلمانان اولیه و هم در سفر به حبشه که به همراه همسر خود جعفر بن ابی‌طالب به حبشه منتقل می‌شود؛ برای همه کسانی که با او هستند و نقش اندکی داشته‌اند، الگو و اسوه دینی قرآنی و نبوی بوده است است. وی چند خواهر داشت، از جمله: یکی سلمی همسر حمزه سیدالشهدا، دوم لبابه همسر عباس عموی پیامبر، سوم میمونه همسر پیامبر اسلام. اسماء بنت عمیس در مکه و قبل از استقرار رسول خدا در خانه زید بن ارقم ایمان آورد و با پیامبر اسلام بیعت کرد. هیچ گاه چهره نامیدی نمی‌گرفت و هیچگاه اعتراض نداشت و در وضع دشوار، بیش از همه تلاش می کرد. در این نوشتار شمه‌ای از این رشادتها در کنار پیامبر اسلام ﷺ و امام علی علیه‌السلام و فاطمه سلام الله علیها و تربیت فرزندانی وارسته‌ای که تا قرنها درترویج قرآن و سیره نبوی اثرگذاربودند، بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: اسماء بنت عُمَیس؛ مهاجرین؛ زنان؛ صدر اسلام؛ صحابه؛ عون؛ جعفر، عبدالله.

*. عضو هیات علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی rezayi@ut.ac.ir

۱. درآمد

کمبود منابع اصلی در حیطه شرح حال شخصیت‌های صدر به ویژه بزرگان تشیع، نویسنده را بر آن داشت که پرده از سرگذشت غبارآلود تاریخ یکی از شخصیت‌های مهم بردارد. همچنین کمبود منابع در خصوص تاریخ اجتماعی و معیشتی صدر اسلام و یا تاریخ تمدن صدر اسلامی به سختی قابل رؤیت است که باید با تلاش جدی جبران شود.

اسماء بنت عمیس (درگذشت پس از ۴۰ ق/۶۶۰ م) شخصیتی است که با ویژگیهای خاصّ خود در فضای آن روز مسیر زندگی خود را با سنت نبوی تطبیق داد و دین خود و اهالی خود را تثبیت کرد. مسئله اصلی این پژوهش سبک زندگی اسماء و مسئله فرعی سبک زندگی با فرزندان و همسرانش و حضرت امیر علیه‌السلام است.

وی در ابتدا همسر جعفر بن ابی‌طالب بود و همراه او به حبشه مهاجرت کرد. او همسر خود را در سرپرستی مهاجران به آفریقا یاری نمود. اسماء پس از شهادت جعفر در جنگ موته، با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر متولد شد. این بانوی وارسته، از قبیله قحطانی پدرش عمیس بن معد بود. در دورهٔ خلافت ابوبکر، ارتباط نزدیک خود را با خانوادهٔ حضرت علی علیه‌السلام، به ویژه حضرت فاطمه سلام الله علیها، مستحکم نمود. وی، پس از وفات ابوبکر، با حضرت علی علیه‌السلام ازدواج نمود که یحیی را به دنیا آورد و مدتی پس از شهادت او نیز در قید حیات بود. در اعیان الشیعه آمده است فاطمه زهرا سلام الله علیها وصیت کرد حضرت امیر و اسماء او را غسل دهند.

۲. نسب و فرزندان اسماء

اسماء بنت عمیس بن معد بن تیم بن حارث بن کعب بن مالک بن قحافه بن عامر بن ربیعه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

بن عامر بن معاوية بن زيد (ابوالفرج به جای زيد، سعد نوشته است) بن مالک بن نسر (اين شخص را بشر، بشير و نسور ثبت کرده‌اند) بن وهب الله بن شهران بن عفرس (عفرس را عبدس نيز نوشته‌اند: ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج ۴، ص ۲۳۲) بن خلف بن أفتل يا أقبل (خثعم) است. (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج۸، ص ۲۸۰؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبيين، ۱۴۰۸ق، ص۳۵؛ ابن عبدالبر، اسدالغابة فی معرفة الصحابه، ج۷، ص۱۲؛ محمد سعيد مبيض، موسوعه حياة الصحابيات ج ۲، ص ۶۵۸) ابن منده نسب او را با اندکی اختلاف ثبت کرده است. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۲) اسماء هشت يا نه خواهر از طرف مادر و شش خواهر از طرف پدر و مادر داشت (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۲، مبيض، ص۳۸) که چهارتن از آنان در تاريخ صدر اسلام نقش برجسته و قابل تأملی داشتند. رسول خدا ﷺ در بارهٔ آنها می‌فرمايد: اسماء بنت عميس، سلمی، ام الفضل و ميمونه، چهار خواهر مؤمنی هستند که به سبب ايمانشان دوست داشته می‌شوند (بلاذری، ج۲، ص ۴۴) نيز رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند خواهرانی از اهل بهشت را رحمت کند؛ اسماء، سلمی، ام الفضل لبابة و ام المؤمنين ميمونه را رحمت کند (صدوق، الخصال، ص ۶۳۳؛ مامقانی، تنقيح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۶۹) رسول خدا ﷺ فرمود: هند - جرشيه - مادر اسماء گرامی‌ترين زنان، از جهت دامادها است. (مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاينده، ج ۱، ص ۶۵۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۵؛ ابن أثير، اسدالغابة، ج ۷، ص ۱۳)

در برخی منابع آمده است که اسماء، نخست با حمزة بن عبدالمطلب ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام امة الله يا أمامة بود و پس از او با شدّاد بن الهاد وصلت نمود که ثمره آن، دو پسر به نام‌های عبدالله و عبدالرحمن بود؛ (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۲۳۲؛ ابن أثير، اسدالغابه، ج ۷، ص ۱۳؛ ابن حجرالعسقلانی، الاصابة فی تمييز الصحابة، ج ۴، ص ۲۳۲؛ مامقانی، ج ۳، ص ۶۹) به نظر می‌رسد اسماء نخستين بار به همسری جعفر بن ابی‌طالب درآمد. اسماء مدتی پس از علنی نبوت پيامبر در مکه و قبل از استقرار رسول خدا ﷺ

در خانه ارقم ایمان آورد و با پیامبر اسلام بیعت کرد. (ابن سعد، ج ۸، ص۲۸۰؛ ابن أثیر، اسدالغابة، ج ۷، ص۱۳؛ ابن حجر العسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۵)؛ وی با افزایش آزار و اذیت مشرکان قریش به همراه همسر خود، جعفر بن ابی‌طالب، به حبشه مهاجرت کرد. در حبشه، اسماء، یاور همسر خود جعفربن ابی‌طالب در سرپرستی مهاجران بود. آنها مورد احترام نجاشی، حاکم حبشه، بودند؛ وی همانند شیر زن از مأموریت حبشه بیرون آمد، به طوری که چند روز پس از ولادت عبدالله بن جعفر، نجاشی، پسر نو رسیده خود را به تأسی از جعفربن ابی طالب، عبدالله نام نهاد و اسماء به آن طفل همراه کودک خود عبدالله شیرداد که همین امر، منزلت آنان را در نزد نجاشی بالا برد. (الزبیری، نسب قریش)

۳. راویان اسماء

شماری از شخصیت‌ها مانند: جعفر همسر او، عبداللّه و محمد فرزندان او، سعید بن مسیب، عبیداللّه بن رفاعه، ابوبردة ابی موسی، فاطمه دختر علی علیه‌السلام، عبداللّه بن عباس، و افراد دیگری احادیثی را از زبان او بازگو کرده‌اند. دانشمندانی مانند: شیخ صدوق و فیض کاشانی (از شیعه) و ابن عبدالبر و ابن حجر عسقلانی و دیگران (از اهل تسنن) به مقام ارزشمند روایت حدیث اسماء اعتراف نموده‌اند. اینک، از باب نمونه یک حدیث را که از زبان اسماء روایت شده، از نظر می‌گذرانیم:

اسماء روایت می‌کند: در شبی که عایشه خود را آماده می‌کرد که نزد پیامبر برود، من با تعدادی از بانوان همراه عایشه بودیم، وقتی به حضور آن حضرت رسیدیم، به جز ظرف شیری چیز دیگری در آنجا وجود نداشت، پیامبر از آن شیر نوشید و سپس ظرف شیر را به عایشه داد تا وی هم بنوشد، اما عایشه خجالت کشید و ظرف شیر را نمی‌گرفت.! گفتم: دست پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را کوتاه نکن، آن گاه که عایشه شیر را نوشید، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: شیر را به دوستانت نیز بده، اما بانوان همراه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

که گویا خجالت می‌کشیدند، گفتند: ما شیر میل نداریم، ولی پیامبرﷺ فرمود: گرسنگی را با دروغ جمع و مخلوط نکنید.! اسماء می‌گوید: من گفتم: ای رسول خدا! آیا اگر کسی از ما چیزی را میل داشته باشد، ولی بگوید: میل ندارم این دروغ حساب می‌شود؟ آن حضرت فرمود: دروغ هرچند کوچک باشد، دروغ است و در پرونده عمل انسان نوشته می‌شود.

۴. عون بن جعفر و سبک زندگی وی به عنوان داماد نمونه

عون فرزند جعفربن ابی‌طالب و اسماء در حبشه متولد شد؛ در سال هفتم هجری، پس از جنگ خیبر، با والدین خود به مدینه آمد و یک سال بعد، پدرش جعفر در جنگ موته به شهادت رسید. نقل شده است که پیامبر اسلامﷺ، پس از آگاهی از شهادت جعفر، به خانه او رفت، فرزندانش را بویید، بوسه بر رخسار آنان زد و گریست. نیز پس از اعلام خبر شهادت جعفر، آنان را نوازش کرد و درباره عون گفت: عون در خلقت و خلق و خوی شبیه من است. (ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۴، ص۲۰۳؛ ابن حجر العسقلانی، ج ۳، ص ۴۴؛ مامقانی، ج۲، ص ۳۵۵)؛ عون همانند سایر برادرانش، مورد توجه و علاقه عمویش، حضرت علی‌علیه‌السلام بود. انتخاب او به دامادی خود نمونه‌ای از علاقه فراوان وی به فرزندان جعفر بود. آن حضرت، عون را به همسری دختر خود، ام کلثوم، برگزید. (بلاذری، ج ۲، ص ۱۹۰؛ ابن اثیر، ج۷، ص ۳۷۸؛ ابن شهرآشوب، ج۳، ص۱۶۲) در کتاب‌های رجال، عون در زمره یاران حضرت علی‌علیه‌السلام و راویان حدیث او ذکر شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۱ ق، ص ۵۰؛ مامقانی، ج۲، ص ۳۵۵؛ موسوی خویی، معجم رجال الحدیث، ج۱۳، ص ۱۶۹) برخی نیز گمان کرده‌اند که وی در سال ۶۱ هجری همراه پسر عموی خود، حسین بن علی‌علیه‌السلام، در کربلا به شهادت رسید. (مسعودی، ج ۱، ص ۶۵۶؛ العمری، ص ۲۹۶)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

۵. زندگی مشترک اسماء با ابوبکرخلیفه اول

اسماء پس از شهادت جعفر بن ابی‌طالب با ابوبکر وصلت کرد (ابن حجر العسقلانی، ج ۴، ص۲۲۵) گزارش شده است که ابوبکر در سال هشتم، در زمان وقوع غزوه حنین، اسماء را به ازدواج خود درآورد (ابن حجر العسقلانی، همان) خانه ابوبکر در بیرون مدینه در سنح، محل سکونت همسر اولش، حبیبه بنت خارجه، بود. او خانه‌ای نیز در مدینه داشت که اسماء در آن ساکن شد و ابوبکر چون به خلافت رسید در مدینه منزل گزید. آن چه در این برهه از تاریخ اسماء اهمیت دارد، ارتباط او با خانواده حضرت علی علیه‌السلام است. با توجه به اختلافی که در سقیفه در امر جانشینی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش آمد ابوبکر، و عمر و اطرافیان آنها در یک طرف، و حضرت علی علیه‌السلام و بنی‌هاشم، در طرف دیگر قرار گرفتند. اسماء نیز از یک سو همسر ابوبکر بود و از سوی دیگر، از ناحیه همسر سابقش، جعفربن ابی‌طالب، با علی علیه‌السلام خویشاوند بود و نیز علاقه فراوانی به خانواده او داشت. وی در بحرانی‌ترین شرایط، رابطه خود را با خانواده حضرت علی علیه‌السلام به ویژه حضرت فاطمه سلام الله علیها حفظ کرد. در دوره بیماری آن بانوی بزرگ، اسماء، رازدار او بود و نیازهای او را برآورده می‌کرد. هنگامی که بیماریِ ایشان شدت یافت، به اسماء فرمود: من خوش ندارم آن چه هنگام وفات زنان می‌کنند [یعنی در حالی که] او پوششی جز تکه پارچه‌ای ندارد، بر سریری نهند و مردم در این حال او را نظاره کنند. اسماء گفت: اگر بخواهی چیزی که در حبشه دیدم، برای تو بسازم. آنگاه اسماء کسی را فرستاد که چند شاخه خرما آورد و آنها را بر روی سریر نهاد و پارچه‌ای بر روی آن انداخت و تابوتی درست کرد.

فاطمه سلام الله علیها چون آن را دید، تبسمی کرد؛ در حالی که از وفات پدرش کسی خنده بر لبان او ندیده بود. به روایتی گفت: نیکو وسیله‌ای است که با آن

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

مرد و زن از هم شناخته می‌شوند. نقل شده که این نخستین تابوتی بود که در اسلام درست شد. (یعقوبی، ج ۲، ص۱۰) این روایت با اختلاف اندکی در اکثر منابع ذکر شده است.

هم چنین از اسماء روایت کرده‌اند که فاطمه دختر پیامبراسلامﷺ به من وصیت کرد و گفت: تو و علی مرا غسل دهید و به کسی اجازه نده بر من وارد شود. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ نیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۹) از این رو هنگامی که حضرت فاطمه سلام الله علیها وفات کرد، عایشه خواست بر او وارد شود. اما اسماء اجازه ورود به او نداد. عایشه شکایت به ابوبکر برد و گفت: این خثعمیه مانع ما و دختر رسول خداﷺ شده و برای او چیزی مثل هودج عروس ساخته است. ابوبکر در خانه آمد و گفت: این چه کاری است که می‌کنی، زنان پیامبرﷺ را مانع از ورود آنان بر دخترش می‌شوی و برای او چیزی مثل هودج عروس می‌سازی؟ اسماء گفت: خود فاطمه مرا چنین گفته است که مانع از ورود زنان پیامبرﷺ و غیر آنان بر او شوم و این را که می‌بینی، وقتی زنده بود مرا به ساختن آن دستور داد. ابوبکر گفت: همان کن که او گفته است. (ابن‌عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۳؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ، ج۷، ص۲۲؛ اربلی، ج۲، ص ۶۷) گزارش‌های مذکور، اعتبار و برجستگی شخصیت اسماء را نشان می‌دهد.

۶. محمد بن ابی‌بکر

ابوبکر در سال سیزده هجری در ۶۳ سالگی در مدینه وفات کرد (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸) با وصیت خود او، اسماء وی را غسل داد و عمر بن خطاب بر وی نماز گزارد. (همان؛ ابن سعد، ج ۸، ص ۲۸۴؛ ابن عبدربه، عقد الفرید، ج ۵، ص۱۷) حاصل ازدواج ابوبکر و اسماء، محمد بن ابی‌بکر بود. او در سال دهم هجری در حجةالوداع متولد شد (ابن سعد، ج ۸، ص۲۸۲، گنجی، ص۳۷۳) و در خانه حضرت علی علیه‌السلام بزرگ شد و به منزله فرزندی برای او بود؛ همان گونه که محمد نیز او را به مثابه پدر خود می‌شناخت و برای هیچ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

کس فضیلتی چون او قائل نبود . برای همین، علی علیه‌السلام می‌فرمود: محمد پسر من از صلب ابوبکر است. (ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۵۳) محمد بن ابی‌بکر در جنگ‌های حضرت علی علیه‌السلام بر ضد مخالفانش، او را همراهی کرد؛ به ویژه در جنگ جمل که امیرمؤمنان علیه‌السلام را بر خواهرش عایشه ترجیح داد. پس از آن نیز با عزل قیس بن سعد از حکومت مصر، با پیشنهاد برادر خود، عبدالله بن جعفر، به حکومت مصر انتخاب شد. (یعقوبی، ج ۲، ص۹۹۹، مسعودی، ۷۶۸) محمد بن ابی‌بکر در مصر از سپاه عمرو بن عاص شکست خورد. دشمنان با نهایت قساوت او را به شهادت رساندند و جسدش را در پوست الاغ نهاده و آتش زدند (الثقفی الکوفی، ج ۱، ص۲۸۷؛ ابن ابی الحدید، ج ۵، ص۸۸؛ ابن حجر العسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۶) خبر آن واقعه، برای مادرش اسماء بسیار دردناک بود. (همان) علی علیه‌السلام نیز درباره او فرمود: او برای من فرزندی بود و برای فرزندانم برادری. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰) روزی عمر به اسماء گفت: ما از تو بهتر هستیم چون که ما در هجرت شرکت داشتیم و شما نبودید. اسماء این حرف را به رسول خدا گفت. پیامبر فرمود: چنین نیست، بلکه شما از نظر هجرت هم بر آنان مقدم هستید، زیرا شما دو هجرت کرده‌اید، به حبشه و مدینه.

۷. ازدواج اسماء با حضرت علی علیه‌السلام

پس از وفات ابوبکر، حضرت علی علیه‌السلام اسماء را به ازدواج خود درآورد. (بلاذری، ج ۱، ص۴۴۷؛ ابن سعد، ج ۸، ص۲۸۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۵) و سرپرستی او و فرزندانش را مستقیماً به عهده گرفت و چنان که قبلاً ذکر شد، عبدالله، محمد و عون، فرزندان جعفر بن ابی‌طالب، و محمد، فرزند ابوبکر، اشخاص برجسته‌ای بودند که در سایه سار حضرت علی علیه‌السلام تربیت شدند و در همه حال به او وفادار ماندند. علی علیه‌السلام مانند دو همسر قبلی اسماء، قبل از او وفات یافت؛ گر چه بر طبق برخی نقل‌ها اسماء هم در حدود سال چهلم هجری، یعنی همان سال شهادت امام علی علیه‌السلام

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

وفات یافت. (امینی، ج۲، ص ۶۵۹) حاصل ازدواج آنها یحیی بن علی بود. (ابن قتیبه، ص ۲۱۰؛ مسعودی، ج ۲، ص ۶۸؛ اصفهانی، ص۳۵؛ شیخ مفید، الاختصاص ج۲، ص ۱۲۹) برخی دیگر به جز یحیی، پسری به نام عون را نیز در شمار فرزندان آنها ذکر کرده‌اند. (ابن سعد، ج ۳، ص۲۰؛ بلاذری، ، ج ۱، ص ۴۴۷؛ ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۲۴۳؛ اربلی، ج ۱، ص۵۹۱) بعضی نیز فرزندان آنها را عثمان اصغر و یحیی نوشته‌اند. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۹۹) گروهی محمد اصغر و یحیی ثبت کرده‌اند. (طبری، ج ۳، ص ۱۶۲؛ ابن اثیر، الکامل، همان) قول اخیر را طبری از هشام کلبی نقل کرده است و منابع دیگر اسمی از محمد اصغر و هم چنین عثمان اصغر در شمار فرزندان آنان نیاورده‌اند. به نظر می‌رسد عون مذکور نیز با عون پسر اسماء از جعفربن ابی‌طالب و یا عون پسر عبدالله بن جعفر در آمیخته شده و اشتباهاً به نام فرزند حضرت علی علیه‌السلام ذکر شده است. از این رو، تنها کسی که منابع در خصوص او هم‌داستانند، یحیی بن علی است. یحیی در زمان پدرش حضرت علی علیه‌السلام وفات یافت و از او نسلی باقی نماند. (الزبیری، ص ۴۴)

۸. اسماء به عنوان مبلّغ و سفیر رسالت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

زمانی که دعوت پنهانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اسلام ادامه داشت و هسته نخستین امت اسلامی به آرامی در حال شکل گرفتن بود، اسماء به همراه همسرش جعفر بن ابی‌طالب به محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شتافت و به یگانگی معبود رسالت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شهادت داد و در روزگاری که یاران دین خدا بسیار اندک بودند، نام خود را جزو پیشگامان اسلام ثبت کرد. او در بسیاری از حوادث صدر اسلام شرکت کرد و جزء مسلمانان نخستین بود که با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیعت کرد. (ابن سعد. ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ج۷، ص۱۳) وی در حبشه یاور همسرش جعفر بن ابی‌طالب در سرپرستی مهاجران بود و گویا کوشش‌هایی نیز برای تبلیغ اسلام در آن سرزمین می‌کرد؛ به طوری که گفته شده است که هر کسی در حبشه مسلمان می‌شد، روی به اسماء

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

بنت عمیس می‌آورد و سپس خبر اسلام او پخش می‌شد. (الزبیری، ص۸۱-۹۰؛ ابن سعد. ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۷، ص۱۳) اسماء و همسرش به اندازه‌ای در حبشه شناخته شده بودند که چون فرزندی برای نجاشی متولد شد، اسماء بنت عمیس او را در کنار کودک خود شیر داد (ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۷۴؛ گنجی، ص ۳۰۶) اسماء احادیثی درباره نشانه‌های انسان، حج نیابتی ونیز احادیثی درباره امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه سلام الله علیهما، از جمله: حدیث منزلت، حدیث ردالشمس، حدیثی درباره سخاوت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و وصف فاطمه سلام الله علیها به حوریه انسیه نقل کرده است. اسماء در مدینه نیز از افراد شناخته شده بود. مکالمه منسوب به او در شب زفاف فاطمه دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (ابونعیم اصفهانی، ج۲، ص۷۴؛ گنجی، ص ۳۰۶) و مفاخره او با عمر بن خطاب در بازگشت از حبشه، درباره مهاجرت، (ابن سعد، ج ۸، ص۲۸۱؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۷۴؛ ابن جوزی، همان) نشانه شخصیت برجستهٔ او است. مؤلفان شیعه و سنی، وی را از صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و راوی حدیث او ذکر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که افراد معروفی، چون عمربن خطاب؛ عبدالله بن عباس؛ ابوموسی اشعری؛ عبدالله بن جعفر؛ قاسم بن محمد؛ پسر خواهرش، عبدالله بن شداد؛ عروه بن زبیر و ابن مصیب، از او حدیث نقل کرده‌اند (ابن عبدالبر، ج ۴، ص۲۳۱؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۷، ص۱۳) نزدیکی اسماء به خانواده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز باعث بالا رفتن اعتبار اجتماعی او شده بود. هنگامی که ام کلثوم، دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، وفات یافت، اسماء او را غسل داد. (ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۲۹۱) هم‌چنین از آن جا که در وفات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختلاف پیش آمد، بعضی گفتند آن حضرت وفات کرده است و بعضی منکر وفات او شدند. اسماء در حالی که دست های خود را بر دو کتف خود نهاده بود، گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وفات کرد و خاتم را از بین دو کتفش خارج کرد. (ابن سعد، ج ۲، ص ۲۷۲) ارتباط او با خانواده حضرت علی علیه‌السلام، به ویژه فاطمه بنت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

در حالی که او همسر ابوبکر بود، نمود دیگری از مناسبات اجتماعی او محسوب می‌شود. این واقعیتی تاریخی است که فاطمه زهرا سلام الله علیها در قبال ابوبکر و اطرافیانش، به سبب عملکرد آنان برای به دست گرفتن قدرت سیاسی، بدون توجه به اهل بیت پیامبرﷺ و حتی بدون مشورت با آنان رفتار بسیار صریح و قاطعی در پیش گرفت، تا آن جا که در وصیت خود، به کسی اجازهٔ حضور در مراسم غسل و تشییع جنازه‌اش را نداد. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ نیشابوری، ج ص ۳۶۷؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۷، ص ۲۲۲، اربلی، ج ۲، ص ۶۷)

۹. اسماء در خانهٔ حضرت زهرا سلام الله علیها

با توجه به موارد فوق، اهمیت رفت و آمد اسماء به خانه حضرت علی و وصیت فاطمه زهرا سلام الله علیهما روشن می‌گردد و میزان اعتبار او در نزد خاندان پیامبر و اعتماد ایشان به او نمایان می‌شود. اسماء نیز با وفاداری و جسارت خاص خود، خواسته‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها را برآورده ساخت و حتی از ورود عایشه، دختر خلیفه، به خانه‌اش جلوگیری کرد. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ج ۷، ص۲۲) چنین گزارش‌هایی جایگاه اجتماعی خاص زنان را در صدر اسلام نشان می‌دهد.

اسماء جریان وفات فاطمه زهرا سلام الله علیها را چنین تعریف می‌کند: هنگامی که رحلت حضرت فاطمه سلام الله علیها نزدیک شد به من فرمود: جبرئیل در موقع رحلت پدر بزرگوارم مقداری کافور برایش آورد؛ پدرم آن را سه قسمت کرد؛ یک قسمت را برای خودش برداشت، یک قسمت را به علی‌علیه‌السلام اختصاص داد و قسمت سوم را به من داد. من قسمت خود را در کناری نهاده و اینک بدان نیاز دارم، آن را برایم حاضر کن. اسماء حسب الامر فاطمه زهرا سلام الله علیها، کافور را حاضر کرد. آنگاه حضرت خودش را شست‌وشو داد و وضو گرفت و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

لباس‌های نماز را پوشیده و بوی خوش استعمال کرد و رو به قبله در بسترش خوابید و به اسماء فرمود: من استراحت می‌کنم تو ساعتی صبر کن سپس مرا صدا کن، اگر جوابت را نشنیدی بدان که من از دنیا رفته‌ام؛ آنگاه علی‌علیه‌السلام را زود از رحلت من خبر کن. راوی گوید: اسماء لحظه‌ای حضرت فاطمه سلام الله علیها را به حال خویش واگذاشت. سپس آن حضرت را صدا کرد، ولی حضرتش جوابی نداد. چون جامه را از روی صورت حضرت برداشت، صدا زد: «ای دختر حضرت محمد مصطفی» جوابی نشنید. مشاهده کرد که از دنیا مفارقت کرده است. خود را به روی حضرت انداخت.

منابع

قرآن

نهج‌البلاغه

ابن ابی الحدید، ابوحامد بن هبة الله بن محمد؛ شرح نهج‌البلاغه؛ به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.

جلوه تاریخ درشرح نهج البلاغه؛ ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی؛ چاپ اول، تهران، نشرنی، ۱۳۶۸ ش.

ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین علی بن محمد، اسدالغابة فی معرفة الصحابه، به کوشش علی محمد معوض و معاد احمد عبدالموجود، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه۱۴۱۵ ق.

الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر و داربیروت، ۱۳۸۵ ق.

ابن اعثم کوفی، محمدبن علی، الفتوح، به کوشش سهیل زکار، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.

الفتوح؛ ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به کوشش غلامرضا طباطبایی، چاپ اول، بی‌جا، شرکت افست،۱۳۷۲.

ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن الحسین شیخ صدوق، الخصال، به کوشش علی اکبرغفاری، قم، جامعه مدرسین فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۳ق.

عیون اخبارالرضا، چاپ اول، تهران، نشرصدوق ۱۳۷۳.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، صفة الصفوة، به کوشش ابراهیم رمضان وسعید اللحام، چاپ اول، بیروت،

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
ابن حجرالعسقلانی، احمد بن علی بن محمد، الاصابة فی تمییزالصحابه، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا.
ابن سعد، محمد بن منیع البصری، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
ابن شهرآشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بمبئی، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ش.
ابن عبدالبر، ابوعمریوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی اسماء الاصحاب، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا.
ابن عبدربه، محمد بن محمد، عقدالفرید، به کوشش عبدالمجید الترجینی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی الحسینی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، بیروت، دارالمکتبة الحیاة، بی‌تا.
ابن فندق، ابوالحسن علی بن ابی القاسم بن زید البیهقی، لباب الانساب، به کوشش سید مهدی رجایی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، چاپ دوم، قاهره، دارالمعارف.
ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمهٔ ابوالقاسم امامی، چاپ اول ،تهران، انتشارات سروش، ۱۳۹۶ ش.
ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش مصطفی السقا ودیگران. بیروت، دارالقلم، بی‌تا.
اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، به کوشش سید احمد صفر، چاپ دوم، بیروت، موسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
اصفهانی، ابونعیم، حلیةالاولیاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
اربلی، علی بن عیسی بن ابی النفع، کشف الغمه، به کوشش سید ابراهیم میانجی، چاپ دوم، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیه۱۳۶۴.
امینی، محمد هادی، اصحاب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، بیروت، دارالغدیر للمطبوعات و دارالکتاب الاسلامی،۱۴۱۲ ق.
البخاری، ابوعبدالله اسماعیل بن ابراهیم الجعنی، التاریخ الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، به کوشش محمد حمیدالله مصر، دارالمعارف، بی‌تا.
الثقفی الکوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات؛ به کوشش وتعلیقات سید جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات انجمن آثارملی، بی‌تا.
خوانساری، سید محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ترجمه محمدباقرساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامیه،۱۳۵۶.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]

خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، قم، منشورات مدینه العلم آیت الله العظمی خویی، افست، بیروت، دارالزهراء.
ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیراعلام النبلاء، تحقیق زیرنظر شعیب الأزنووط، چاپ هفتم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۰ ق.
الزبیری، ابوعبدالله المصعب بن عبدالله، نسب قریش، بی جا، دارالمعارف للطباعة والنشر، بی‌تا.
طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، چاپ سوم بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
العمری، نجم الدین ابی الحسن علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبیین، به کوشش احمد مهدوی دامغانی، چاپ اول، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، الشجرة المبارکة، به کوشش سید مهدی رجائی، چاپ اول، قم، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب، به کوشش محمد هادی الامینی، چاپ سوم، تهران، داراحیاء التراث أهل البیت علیهم‌السلام، ۱۳۶۲.
مامقانی، شیخ عبدالله، تنقیح المقال فی احوال الرجال، نجف، المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۰ ق.
مبیض، محمد سعید، موسوعة حیاة الصحابیات، سوریه، مکتبة الغزالی، بی‌تا.
مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب، تبریز، چاپخانه شفق، بی‌تا.
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا.
مفید، محمدبن محمدبن النعمان، الاختصاص، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشرالاسلامی، بی‌تا.
نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبدالقادر، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
یاقوت حموی، ابوعبدالله بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، دار بیروت، ۱۳۷۶.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمهٔ دکترمحمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳۴۳ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.11.7]